

● نامه به سردبیر کد مقاله: ۰۹

جراح کامل کیست؟

چند سال قبل تحت عنوان «جراح خوب کیست؟» مقاله‌ای نوشتم که در همین مجله به چاپ رسید.

... و امروز وقتی از من به عنوان یک پیر جراحی خواسته شد که در مورد جراح کامل چیزی بنویسم؛ اشاره به آن مقاله کردم ولی جواب شنیدم که خوب بودن با کامل بودن فرق دارد بنابراین بهتر است آن خوبی‌ها را تکمیل کنید که چنین کردم.

جراح کامل کسی است که:

- برخورد اولیه مناسبی با بیمار داشته باشد؛ لبخندی بر لب؛ نگاهی نافذ و کلامی پر محبت ...
- تمام اصول سمیولوژی را رعایت نماید؛ با حوصله شرح حال بگیرد و سر تا پای بیمار را معاینه کند و نتایج را با خطی خوش و خوانا و به زبان مادری در پرونده بیمار بنویسد.
- از آزمایشگاه و وسایل تصویری در حد لزوم استفاده کند و از اقدامات زیادی و غیر ضرور پرهیز نماید.
- از تشخیص بیماری که می‌خواهد عمل کند اطمینان کامل داشته باشد.
- با تشخیص پزشک و جراح دیگر (حتی استادانش) روی بدن بیمار چاقو نگذارد و خودش حتماً بیمار را معاینه کامل کند و از تشخیص مطمئن شود.
- بیمار را در انتخاب جراح آزاد گذارده و هیچ بیماری را با زور روانه اطاق عمل نکند.
- هرگز بدون اندیکاسیون (بی‌مورد) عمل نکند.
- قبل از عمل توضیحات کافی به بیمار و بستگان آنها بدهد و از نتایج و عوارض احتمالی جراحی آنها را آگاه سازد و همه این مطالب را مکتوب کرده و به امضاء بیمار

دکتر عبدالحمید حسابی
استاد گروه جراحی
دانشگاه علوم پزشکی تهران

- و بستگانش (به عنوان شاهد) برسانند.
- درباره نتیجه جراحی هرگز با اعداد و درصدها وعده‌های نامقبول ندهد.
 - اگر سفر قریب‌الوقوع در بیش دارد جراحی نکند.
 - از شرایط بیمارستان؛ اطاق عمل و تیم همراهش اطمینان کامل داشته باشد.
 - کمک جراحش حتماً جراح باشد.
 - در صورت خستگی؛ کم خوابی و ناراحتی‌های عصبی روانی عمل نکند.
 - تمام مراحل جراحی- از پوست تا پوست- را شخصاً با کامل آرامش و خونسردی و بدون عجله انجام داده و از کارهای اضافی پرهیز نماید.
 - در پایان جراحی شرح عمل را خودش با خط خوانا به زبان مادری بنویسد.
 - تا به هوش آمدن کامل بیمار؛ بیمارستان را ترک نکند.
 - و بعد از خروج از بیمارستان ارتباط کامل با مرکز مربوطه داشته باشد.
 - در روزهای بعد خودش روزانه بیمار را ویزیت کرده و دستورات و پیشرفت بیماری را دقیقاً بنویسد.
 - در تمام مراحل تشخیص؛ درمان؛ عوارض و حوادث حین جراحی در صورت لزوم از مشاوره همکاران استفاده کند.
 - در مورد حق‌العمل سخت‌گیری نکرده و گذشت داشته باشد و قبل از عمل جراحی وجهی از بیمار مطالبه نکند.
 - هنگام ترخیص توصیه‌های لازم را شخصاً- نه با واسطه- به بیمار گوشزد کرده و راه ارتباطی را همواره باز گذارد.
 - در زمان جدائی با همان خوشروئی؛ لبخند؛ نگاه جذاب و کلمات محبت‌آمیز بیمار را بدرقه کند.
 - اسیر تعریف و تمجید زیاد که گاهی با چاشنی چاپلوسی از طرف بیماران و بستگان آنها همراه است نشده و حالت خود شیفتگی و به اصطلاح نارسیستی پیدا نکند و افتادگی را از یاد نبرد.
 - از انتقاد و بدگوئی نسبت به همکاران خصوصاً جراحان دیگر پرهیز کند.
 - این قدرت را داشته باشد که با صراحت بگوید این جراحی کار من نیست.
 - اشتباهات خود را قبول کند و معتقد باشد که اقرار به اشتباه یک فضیلت است.
 - گاهی خود را صمیمانه و منصفانه نقد کند و همیشه به یاد داشته باشد که درمان‌کننده واقعی خداوند است.
- در بازخوانی این نوشته از خودم پرسیدم: آیا تو خودت را یک جراح کامل می‌دانی؟ که با پاسخ منفی لرزه بر اندامم افتاد و از خداوند متعال تقاضای عفو و بخشش کردم و در جواب این سؤال که آیا اساساً چنین جراحی پیدا می‌شود؟ فقط این دو بیت مولانا را خواندم:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد و ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت می‌نشود جسته‌ایم ما

گفت آنچه یافت می‌نشود آنم آرزوست